

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری
۲۳ فیروزی ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

فلسفه سیاست

چیستی سیاست، قدرت است. و اقتدار قدرت یا گسترش و تدوام قدرت، روح در وجود مجری قدرت با سرشت فسادآوری قدرت، همچون شکر که در جای حل می شود، است...!

شرح رابطه حق و قدرت:

زمانی که حق منشأ و مهار کننده قدرت شود، همان نظارت حاکم باشد. سیاست در حکمت و فلسفه سیاسی پدیدار می شود، چون: تصمیم گیری، مدیریت و ارتباطات به سوی اهداف حقوق همانا توسعه و منافع لامنتهی عمومی، البته نفع عمومی این که: تمام اعضای جامعه را نفع برسد، به قدر دریافت یا ظرفیتش که شناسائی ظرفیت و شایسته سالاری موضوع فلسفه سیاسی می باشد.

اما تا زمانی که توده جامعه به حق نرسد، فلسفه سیاسی شعار می باشد و تُهی معنی، حالا از کجا باید شروع کرد تا حقوق به منظور نظم و توسعه مجریان قدرت را خادم کند؟

فلسفه حق یا حقوق:

از این که انسان روح یا جاننش آزادست و یا همانا اراده آزاد، به حق می رسد – پس سلب آزادی توسط سرشت قدرت، به این مفهوم که قدرت محدودتر می شود و استنتاج مهار شدن می کند. پس سرشت قدرت سعی دارد تا وجدان جمعی، به سوی اراده جمعی تأسیس نشود.

از این جهت گروه های فشار مانند: رسانه ها و اینترنت، مساجد و خطبه ها، سینما و موسیقی و غیره... را عقلانیت سیاسی به سوی تولید نیرو یا روح همزیستی باید.

به یاد داشته باشیم هدف حق یا فلسفه حق یعنی: فضیلت و آزادی بستری برای فضیلت، زیرا آزادی خود، هدف و فلسفه حق نیست. وسیله به سوی سعادت و فضیلت است. که همانا حاکمیت قانون و روح حاکمیت قانون: آگاهی اعضای جامعه از حقوق شان که پدیدار می شود در نظام حقوقی سیاسی به نام قانون اساسی و جان کلام قانون اساسی در مشروعیت قدرت همانا انتقال قدرت یا انتخابات، تقسیم قدرت در قوه سه گانه که سرکش نشود، مسئولیت و صلاحیت های فرد اول و در صورت نقض محکمه مقام اول و سایر مقامات که در قانون اساسی پیش بینی می شود. و تبیین سیاست خارجی در جایگاه معاهدات و حقوق بنیادین مردم که شامل دو اصل: یکم - حقوق فرهنگ ها و تنوع فرهنگی و حقوق اقلیت ها... دوم- آزادی بیان و رسانه های جمعی، قسمی که در فوق گفتیم نظارت و نظارت همگانی یا مردمی با موجودیت اینترنت یعنی این که: افکار عمومی امروزه منشأ تصمیم گیری قدرت شده، و برای سرشت قدرت در فقدان نظارت همینقدر کافی است که بیان کنیم: زمانی که حضرت عمر رض از طرف ابوبکر صدیق زمامدار مردم نصب شد، گفت: من امروز ظاهر عمر را می بینم که درست است. یعنی از فردا وی و تحول انسانی وی ضمانت نکرد - با آن جایگاه که عمر در اسلام داشت.

پس جایگاه نظارت در سرشت قدرت، جان آزادی های عمومی می باشد. زیرا داستان هاروت و ماروت دو فرشته در قرآن ذکر شده را، اثبات به این می دانیم که: زمین و فساد انسانی، سرشت آدمی در این سیاره بوده و زمانی که قابیل برادر خود را، هابیل را قتل می کند به این معنی می باشد که: قدرت فاقد حقوق و یا منشأ آن حق نباشد به مانند تیغ و شمشیر است، که پایداری آن از خون مردم می باشد. زیرا انسان هم روح و جانش آزادست و انسان هائی که آزادی برایش مفهوم ندارد در برابر لذت صوری چند روزه دنیا، حاکم شدن نیروی حیوانی در کالبد انسانی دانست.